

The soft power capacity of the Islamic Republic in the face of international challenges; Emphasizing the thought of the leaders of the Islamic Revolution

Received: 2019-04-29

Accepted: 2019-10-09

Rajabali Esfandiyar *

The purpose of this study is to examine how Imam Khomeini and Ayatollah Ali Khamenei are benefiting from the soft power of Islam in the face of international threats. Using a descriptive-analytical approach, we came to the conclusion that the soft power of Islam in the face of international threats rests on four elements: structures, beliefs, values, and norms. The centrality of the principle of monotheism in order to create a monotheistic society at the level of Iran, the Islamic world and the international system as a monotheistic worldview for the unity of Islamic Ummah and Velayat, and a leadership based on religious democracy as a common belief, based on spiritual and cultural values and values Relying on the masses of people, resistance and resilience, clever and deliberate treatment and on the principles of cruelty, human dignity, justice, equality, protection of the weak and adherence to the accepted norms, including the most important strategies facing the Islamic Republic of Iran. Lally is.



Vol 22, No. 87, Autumn 2019

* Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran
(R.esfandiar@isca.ac.ir).

Keywords: Soft Power, International Threats, Imam Khomeini, Ayatollah Khamenei, Islamic Republic of Iran.



Abstracts

ظرفیت قدرت نرم جمهوری اسلامی در مواجهه با چالش‌های بین‌المللی؛ با تأکید بر اندیشه‌ی رهبران انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۹

تاریخ تأیید: ۹۸/۷/۱۷

رجب‌علی اسفندیار *

ظرفیت قدرت نرم جمهوری اسلامی در مواجهه با چالش‌های بین‌المللی

هدف پژوهش حاضر بررسی چگونگی بهره‌مندی امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای از قدرت نرم اسلام جهت مواجهه با تهدیدات بین‌المللی است. با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به این نتیجه رسیدیم که قدرت نرم اسلام در مواجهه با تهدید بین‌المللی بر چهار عنصر: ساختارها، باورها، ارزش‌ها و هنجارها استوار است. محوریت اصل توحید در راستای ایجاد جامعه‌ای توحیدی در سطح ایران، جهان اسلام و نظام بین‌الملل، به‌عنوان ساختار؛ جهان‌بینی توحیدی برای وحدت امت اسلامی و ولایت و رهبری بر مبنای مردم‌سالاری دینی به‌عنوان باور مشترک؛ تکیه بر ارزش‌های معنوی و فرهنگی به‌عنوان ارزش؛ و در نهایت، تکیه بر توده‌ی مردم، مقاومت و پایداری، برخورد هوشمندانه و مدبرانه و تکیه بر اصول ظلم‌ستیزی، کرامت انسانی، عدالت، برابری، حمایت از مستضعفان و پایبندی به تعهدات به‌عنوان هنجارهای پذیرفته‌شده، از جمله‌ی مهم‌ترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تهدید بین‌المللی است.

کلیدواژه‌ها: قدرت نرم، تهدیدات بین‌المللی، امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای، جمهوری اسلامی ایران.

* استادیار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (R.esfandiar@isca.ac.ir).

انقلاب اسلامی ایران، رخدادی بزرگ در دوران معاصر بود که بسیاری از معادلات بین‌المللی را تغییر داد. جمهوری اسلامی ایران که حامل ارزش‌های انقلاب اسلامی است، از بدو تاسیس با تهدیدهای متعددی مواجه بوده است؛ این تهدیدها در سطوح مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی از دهه‌ی شصت تاکنون ادامه داشته‌اند. رهبران انقلاب اسلامی با به‌کارگیری قدرت نرم اسلام، در مقابل این تهدیدها ایستاده‌اند و با مقاومت و ایستادگی ملت ایران از ارزش‌های انقلاب اسلامی دفاع نموده‌اند.

در این مقاله ضمن برشمردن تهدیدهای بین‌المللی انقلاب اسلامی و تبیین قدرت نرم این نظام، که ترکیبی از فرهنگ اسلام، سیاست‌ها و ارزش‌های داخلی و سیاست خارجی می‌باشد، به تحلیل چگونگی بهره‌مندی امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای از قدرت نرم اسلام در مواجهه با تهدیدهای علیه جمهوری اسلامی می‌پردازیم. مقاله با رویکردی فرهنگی، چهار عنصر: ساختار، باور، ارزش و هنجار را در نظر می‌گیرد و با تأکید بر اندیشه‌ی بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری، به بررسی چگونگی به‌کارگیری قدرت نرم اسلام در مواجهه با تهدیدهای بین‌المللی و ایجاد جامعه‌ای توحیدی در سطح ایران، جهان اسلام و نظام بین‌الملل می‌پردازد. در ایجاد چنین جامعه‌ای، از جهان‌بینی توحیدی و ارزش‌های معنوی و فرهنگی بهره گرفته می‌شود. از آن‌جا که رویکرد مقاله‌ی رایج راهبردی است، یافته‌های پژوهش می‌تواند راه‌گشای مسایل امروز جامعه باشند. مقاله به تهدیدهایی اشاره دارد که انقلاب در دهه‌ی ۶۰ و ۹۰ با آن مواجه بوده است و برخی از آن‌ها هم‌چنان ادامه دارند.

مهم‌ترین عنصر در تعریف تهدید، سلب امنیت تا سرحد انجام بزرگ‌ترین جنایت‌ها علیه بشر است. از این‌رو واژه‌ی در مقابل تهدید، امنیت است که در آن هر نوع تهدید به تمامیت ارضی و استقلال کشورها به‌حداقل می‌رسد (حقیقت، ۱۳۷۶، ص. ۵۳۶). تهدید را می‌توان هر نوع عملی دانست که به‌منظور اهداف غیرانسانی و در جهت فشار به یک دولت-ملت، متضمن به‌خطر افکندن بقا، ایجاد زمینه‌ی تحریف و محدودیت در مورد حقوق مشروع بشری و موجب سلب آرامش است. تهدید در سطح بین‌المللی می‌تواند در قالب تولید سلاح‌های مخرب، استراتژی‌های جنگی، پیمان‌های نظامی، ایجاد رژیم‌های سرکوب‌گر و وابسته، تبلیغات سازمان‌یافته و مهاجم، تهاجم فرهنگی، شیوه‌های اقتصادی، فشار، زور و تزویر در دیپلماسی، حملات نظامی به‌شکل رسمی و غیررسمی یا آشکار و



پوشیده، مستقیم و غیرمستقیم توسط ابرقدرت‌ها در سراسر جهان روی دهد (عمید زنجانی، ۱۳۸۶، صص. ۴۲۷-۴۲۶).

هدف از تهدید در عرصه‌ی بین‌الملل همگام‌سازی و مطیع‌ساختن یک جامعه و یا ملت از سیاست‌های قدرت‌های بزرگ بین‌المللی است؛ از این منظر، تهدید علیه ایران و جهان اسلام اقدام در جهت مطیع‌ساختن آن در چارچوب سیاست‌های حاکم بر روابط بین‌الملل است که توسط قدرت‌های جهانی تعریف شده‌اند. بنابراین تهدید بین‌المللی به‌عنوان یک واقعیت، ناشی از منافع استراتژیک و هژمونیک اقتصادی و سیاسی غرب و منابع و ذخایر و شرایط کشورهای مسلمان، بالاخص ایران است. این تهدیدها می‌تواند در عرصه‌های مختلف سیاسی (اعمال فشار، قطع رابطه، بایکوت، تصویب قطعنامه‌هایی در مجامع بین‌المللی و ...)، اقتصادی (اعمال تحریم اقتصادی)، حقوقی (اجرای برنامه‌های کنسولی جهت ممانعت از مسافرت مسئولین و یا شهروندان به خارج از کشور)، نظامی (تهدید به حمله‌ی نظامی، ایجاد پایگاه‌های نظامی و حتی حمله‌ی نظامی) و فرهنگی (تبلیغات رسانه‌ای و ماهواره‌ای، ارسال مبلغین و ...) ظاهر شود و منافع و مصالح ایران و جهان اسلام را تحت تاثیر قرار دهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص. ۳۳۷؛ خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص. ۳۷۵؛ ج ۲، ص. ۴۸۴؛ ج ۵، ص. ۱۰۸؛ ج ۷، ص. ۱۸۶؛ ج ۱۲، ص. ۷۷). در دهه‌ی ۶۰ و ۹۰ شمسی، چهار نوع تهدید سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی را می‌توان از یک‌دیگر تفکیک نمود که به‌ترتیب از دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای درباره‌ی آن بحث خواهیم کرد.

۱. تهدیدهای بین‌المللی انقلاب اسلامی

۱.۱. تهدید سیاسی

با بروز اندیشه‌ی حکومت اسلامی در سال‌های دهه ۱۳۵۰ شمسی و ادعای عدم توانایی دین در عرصه‌ی سیاست از سوی مخالفان، که برگرفته از اندیشه‌ی سکولاریسم غربی می‌باشد، امام خمینی این مساله را ناشی از تبلیغات استعمارگران و تهدیدی برای اسلام معرفی می‌کند (نگارش، بی‌تا، صص. ۵۸-۵۷؛ خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص. ۸۰۸؛ همو، ۱۳۸۹، صص. ۱۷، ۱۱۹، ۱۶۹ و ۱۷۱). این تهدید با پیروزی انقلاب اسلامی پررنگ‌تر شد. انقلاب اسلامی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی بود؛ از این رو یکی از اهداف و برنامه‌های غرب، خاموش کردن انقلاب اسلامی از هر طریق ممکن بود. غرب، کانون‌های مولد هنجار در جمهوری اسلامی را نشانه گرفته و حکومت اسلامی برگرفته از اندیشه‌ی ولایت فقیه را به انحای مختلف مورد هجوم قرار می‌دهد.





وابستگی‌های علمی، فنی، اقتصادی و نظامی رژیم پهلوی به قدرت‌های استعمارگر، یکی از مهم‌ترین دلایل آغاز حرکت سیاسی امام خمینی بود. ایشان با باور به این که رژیم پهلوی پایگاهی برای نفوذ و اعمال سلطه‌ی غرب علیه مصالح مذهبی، فرهنگی و حتی ملی ایرانیان است، مبارزه با این رژیم را آغاز کرد و رژیم پهلوی و قدرت‌های بین‌المللی را در یک جبهه علیه مصالح مسلمانان معرفی نمود (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص. ۹۰). آمریکا نیز سیاسی خود را با ضدیت با ایران اسلامی ارائه نمود و در فضای تهدید سیاسی با ایران دست به کنش زد. به همین جهت به محض وقوع انقلاب اسلامی، حرکات ضدآمریکایی و ضد غرب، مانند برچیدن شنوذهای آمریکا، اخراج مستشاران غربی، اخراج تجار و سرمایه‌داران غربی از کشور و بسیاری از اقدامات دیگر، همگی نشان‌دهنده‌ی این واقعیت بود که ایران قصد ندارد در چارچوب اقتدار آمریکا عمل کند. بنابراین خروج ایران از اردوگاه غرب اولین تهدید سیاسی جمهوری اسلامی ایران بود. خرج از اردوگاه غرب به معنای پیوستن به اردوگاه شرق در نظام دوقطبی آن زمان موجه نبود؛ این حقیقت، ایران را در جایگاهی قرار داد که هم شرق و هم غرب با آن به ضدیت بپردازند. این مساله به بزرگ‌ترین تهدید علیه نظام نوپای ایران تبدیل شد.

تصرف سفارت ایالات متحده در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و در پی آن، ۴۴۴ روز ماجرای گروگان‌گیری نقطه‌ی اوج تقابل جمهوری اسلامی با ایالات متحده آمریکا بود. تأیید حضرت امام از این حرکت، چهره‌ی ضداستکباری جمهوری اسلامی ایران را به نمایش گذاشت و این امر سبب شد بلوک غرب یک پارچه در مقابل ایران قرار گیرد. این تقابل هم‌چنان ادامه یافت و در دهه‌ی ۹۰ در قالب جلوگیری از برنامه‌ی هسته‌ای ایران، صورت جدیدتری پیدا کرد.

تلاش‌های انقلابیون ایران برای صدور انقلاب مابع نگرانی شوروی بود. نزدیکی قومی و جغرافیایی دو کشور سبب می‌شد تا شوروی از احتمال سرایت انقلاب اسلامی به میان مسلمانان کشورش احساس خطر کند. بنابراین دو ابرقدرت غرب و شرق تهدیدی جدی برای جمهوری اسلامی ایران بودند. این امر همواره مورد توجه و تأکید امام خمینی قرار داشت و بر سیاست نه شرقی و نه غربی تأکید می‌نمود (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص. ۵۳۴؛ ج ۸، ص. ۳۷؛ ج ۹، صص. ۳۷ و ۳۴۶؛ ج ۱۰، ص. ۱۴۶؛ ج ۱۱، ص. ۱۱۴؛ ج ۱۱، ص. ۱۹۸). امام، ضعف دولت‌مردان را یکی از عمده‌ترین عوامل وابستگی و تهدید ناشی از آن می‌دانست (همو، ۱۳۸۹، ص. ۲۳).

تلاش کشورهای اسلامی برای عبور از دیکتاتوری و رسیدن به مردم‌سالاری و دمکراسی سبب شد تا آمریکا نسبت به منافع خود احساس خطر کند. این تهدید در دهه‌ی ۹۰ با شروع بیداری اسلامی در نقاط مختلف جهان، موجی از اسلام‌هراسی را ایجاد کرد. بیداری اسلامی متأثر از انقلاب اسلامی، موجب شد تا استعمارگران بیش از پیش احساس خطر کنند. از این رو نامه‌های آیت‌الله خامنه‌ای به جوانان غربی برای ارایه‌ی درست و بدون واسطه از اسلام و نشان دادن چهره‌ی غیرصادقانه‌ی سیاست مداران غربی را باید در این راستا تحلیل کرد.

خطر اسرائیل برای جهان اسلام، از جمله‌ی تهدیدهای مورد توجه امام خمینی بود. ایشان موجودیت اسرائیل را برای سرکوب و استعمار ملل می‌دانست و دوستی محمدرضا پهلوی و سران کشورهای اسلامی با اسرائیل را خطر بزرگی اعلام می‌کرد (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص. ۳۰۵؛ ج ۲، صص. ۳۳۹ و ۳۹۷). امام خمینی با تأکید بر اسلامی‌بودن قضیه‌ی فلسطین، بر قطع رابطه با رژیم صهیونیستی و اعلان حالت جنگ بین مسلمانان و این رژیم تأکید داشتند و هرگونه رابطه‌ی سیاسی، تجاری و نظامی با اسرائیل را حرام می‌دانستند؛ چراکه این رژیم را نامشروع و غاصب و دشمن تمامی مسلمانان تلقی می‌کردند (همو، ۱۳۷۹، ج ۱، ص. ۱۳۹). این سیاست در دهه‌ی ۹۰ توسط آیت‌الله خامنه‌ای تداوم یافت و ایشان بر مبارزه‌ی جدی با رژیم صهیونیستی و تجهیز و کمک به ملت فلسطین تأکید کردند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۵/۷).

با گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی، تهدیدهای سیاسی هم‌چنان به‌قوت خود باقی هستند و در اشکال مختلف رخ می‌نمایند. خیزش‌های ملت‌های تحت سلطه در جهان و انقلاب‌های مردمی، جلوگیری کشورهای استعمارگر از آزادی و دمکراسی در کشورهای اسلامی، گرایش به دین در کشورهای اروپایی، حمایت جمهوری اسلامی ایران از ملل مستضعف جهان، برجسته‌نمودن خطر اسرائیل از جمله‌ی این مصادیق است.

۱,۲. تهدید فرهنگی

از جمله‌ی مهم‌ترین تهدیدهای فرهنگی یک جامعه‌ی نوپای انقلابی، ضعف ایمان است؛ چراکه ضعف ایمان، انسان را به سستی در امور مهم مربوط به فرهنگ خودی می‌کشاند (خمینی، ۱۳۷۶، ص. ۴۴۳). ایمان به انقلاب اسلامی بزرگترین سرمایه‌ی معنوی‌ای است که می‌تواند قوام‌بخش فرهنگ جامعه باشد. ایمان قلبی به توانایی‌هایی که خداوند به انسان داده است، بسیار مهم است؛ زیرا وقتی ملتی به ایمان قلبی پای‌بند است و به آن احترام



می‌گذارد، در حقیقت برای رای و نظر و تصمیم خود احترام قائل است و به خودباوری می‌رسد؛ در غیراین صورت دچار ضعف و ناتوانی می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۱۱).
دنیاطلبی دیگر تهدید فرهنگی جمهوری اسلامی است. به تعبیر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، دنیاطلبی به تدریج موجب می‌شود انسان از عدالت و امانت‌داری خارج شود (خمینی، ۱۳۸۹، ص. ۷۲). دنیاطلبان تهدیدی بزرگ در عرصه‌ی فرهنگ محسوب می‌شوند؛ چراکه آنان برای رسیدن به مقاصد خود در جامعه فتنه ایجاد می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۶/۲۹).

سیاست‌زدگی یکی دیگر از تهدیدهای فرهنگی جمهوری اسلامی است؛ به تعبیر مقام معظم رهبری با شیوه‌های سیاسی سیاست‌گذاران و سیاست‌مداران نمی‌شود در عالم فرهنگ حرکت کرد (همو، ۱۳۸۸/۶/۱۴). علاوه بر این، تهاجم فرهنگی، سلطه‌ی فرهنگی و استحاله‌ی فرهنگی از تهدیدهای همیشگی استعمارگران برای کشورهای دارای منابع و موقعیت خاص می‌باشد.

۱,۳. تهدید اقتصادی

در بعد اقتصادی نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری از اموال ایران در غرب بلوکه شد و ایران تحت تحریم‌های اقتصادی، فنی و تکنولوژیک قرار گرفت. آمریکا هر وقت فرصت و یا بهانه‌ای یافت، تحریم‌های اقتصادی ایران را تشدید کرد. تسخیر لانه‌ی جاسوسی، شروع جنگ تحمیلی، فروپاشی شوروی و تک‌قطبی‌شدن جهان، ادعای تولید سلاح‌های کشتار جمعی به‌وسیله‌ی ایران، حمله به مقر نظامیان آمریکا در کشورهای منطقه، سیاست مهاد دوگانه‌ی ایران و عراق، حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر در آمریکا، ادعای حمایت ایران از گروه‌های تروریستی، فعالیت هسته‌ای در ایران و حمایت جمهوری اسلامی ایران از گروه‌ها و کشورهای انقلابی منطقه، از جمله‌ی بهانه‌های تشدید تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران بوده است (مالک، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۱). تهدیدهای مذکور از دهه‌ی ۶۰ تا ۹۰ به شکل‌های مختلف ادامه یافته‌اند. با توجه به قدرت نرم اسلام، هیچ‌یک از تهدیدهای مذکور نتوانسته‌اند خللی به اهداف اصلی جمهوری اسلامی وارد کنند.

۱,۴. تهدید امنیتی

در چارچوب تهدید امنیتی، یکی از مهم‌ترین تهدید اواخر انقلاب، واقعه‌ی طیس بود که در آن آمریکا سعی کرد کماندوهای خود را برای آزادسازی گروگان‌های لانه‌ی جاسوسی وارد

خاک ایران نماید؛ این عملیات در نتیجه‌ی طوفان شن با شکست مواجه شد (درویشی، ۱۳۸۰، ص. ۶۳). کودتای نوژه نیز یکی دیگر از تهدیدهای امنیتی بود که غربی‌ها سعی داشتند با کمک عوامل داخلی با تسخیر پادگان نوژه در نزدیکی همدان، شکست انقلاب را رقم بزنند؛ این نقشه قبل از عملیاتی‌شدن برملا شد و با شکست مواجه گردید (همان، ص. ۶۲).

ایجاد تفرقه و اختلاف میان اقلیت‌های قومی و مذهبی مانند کردستان، بلوچستان، خوزستان، آذربایجان و بندر ترکمن در سال‌های اول انقلاب از جمله‌ی تهدیدهایی بود که منشأ خارجی داشت. ترورهای سال‌های اول انقلاب نیز از جمله‌ی مصادیق تهدید امنیتی است که در جهت برهم‌زدن امنیت جامعه و تشویش اذهان مردم و با هدف ایجاد رعب و وحشت در ملت صورت می‌گرفت. نقطه‌ی عطف تهدید امنیتی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق علیه ایران بود که از شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد. حمله‌ی نظامی عراق را می‌توان ناشی از تهدید غرب و شرق علیه انقلاب اسلامی دانست (همان، ص. ۱۶۹).

در دهه‌ی ۹۰ تهدیدهای امنیتی آمریکا تا مرز تهدیدهای نظامی در موضوع هسته‌ای پیش رفت. غرب با حمایت از عناصر فریب‌خورده‌ی داخلی در انتخابات ۱۳۸۸ چشم امید به شکست انقلاب اسلامی داشت. مداخله‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا در امور داخلی ایران و حمایت از معترضان انتخابات ۱۳۸۸ با هدف براندازی حکومت، نقض آشکار قواعد بین‌المللی بود که باطن سردمداران کاخ سفید را به نمایش گذاشت. خلق داعش با ایجاد گفتمان سلفی‌گری-تکفیری در دهه‌ی ۹۰ و احیای خلافت اسلامی در مقابل جمهوری اسلامی، یکی دیگر از تهدیدهای امنیتی غرب علیه انقلاب اسلامی بوده است.

۲. قدرت نرم اسلام

راه غیرمستقیم به‌دست آوردن خواسته‌ها را وجه دوم قدرت یا "قدرت نرم" می‌گویند. این نوع از قدرت بر قابلیت شکل دادن به علایق دیگران تکیه دارد. در قدرت نرم، راه دست‌یابی به نتایج مطلوب، متنوع است و از آن‌جایی که جنبه‌هایی از قابلیت دست‌یابی به هدف را با تاثیرگذاری در رفتار دیگران دنبال می‌کند، با قدرت سخت در ارتباط است. تفاوت آن‌ها را در ماهیت رفتار و غیرمحسوس بودن منابع می‌توان ملاحظه کرد. طیف رفتار در قدرت سخت از طریق فرمان، اجبار و وادار کردن است، درحالی‌که در قدرت نرم این امر با همکاری، جاذبه و ملاحظات سازمانی به‌دست می‌آید. منبع قدرت نیز در قدرت





سخت تطمیع، الزام، تنبیه و رشوه است، درحالی که در قدرت نرم علاوه بر فرهنگ عام، ارزش‌های ارائه‌شده‌ی یک سازمان یا کشور، از منابع قدرت نرم به‌شمار می‌آید (نای، ۱۳۸۷، صص. ۴۳-۵۷).

فرهنگ اسلام و ارزش‌ها و باورهای اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین منبع قدرت نرم جمهوری اسلامی در طول حیات سیاسی آن عمل کرده است. اصولی چون ظلم‌ستیزی، کرامت ذاتی انسان، عدالت، برابری، حمایت از مستضعفین، پای‌بندی به تعهدات، این امکان را برای مسلمانان فراهم می‌کند که آنان با بهره‌گیری از این ارزش‌ها به تبلیغ دین پرداخته و در جهت مبارزه با طاغوت و رفع وابستگی‌های علمی، هنری، اقتصادی و نظامی به قدرت‌های استعمارگر تلاش نمایند. با بررسی آثار امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای قدرت نرم اسلام را برای مقابله با تهدیدهای بین‌الملل در قالب اصل توحید، جهان‌بینی توحیدی، ارزش‌های معنوی و فرهنگی و هنجارهای پذیرفته‌شده می‌توان توضیح داد.

۲,۱. اصل توحید

در اسلام، توحید به‌عنوان محور اساسی همه‌ی فعالیت‌های بشر است و این خود تولیدکننده‌ی اساسی قدرت نرم برای همه‌ی مسلمانان محسوب می‌شود. هرچند از عمل تا رسیدن به نقطه‌ی آرمانی و مطلوب فاصله‌ی زیادی هست، اما تأکیدات فراوان رهبران دینی بر اتحاد و همبستگی، ارزش و منزلت محوری توحید را روشن می‌سازد. توحید به‌عنوان عنصری ساختاری، نقش کلیدی در تولید قدرت نرم جمهوری اسلامی داشته است.

در نگاه امام خمینی (۱۳۷۷) هدف نهایی و غایی اسلام، «مقصد قرآن و حدیث، تصفیه‌ی عقول و تزکیه‌ی نفوس است، برای حاصل‌شدن مقصد اعلای توحید» (ص. ۱۱). به‌نظر ایشان «تمام احکام الهی به‌طریق کلی به دو مقصد منقسم می‌شود که یکی، اصلی و استقلالی، و دیگر، فرعی و تبعی است؛ و جمیع دستورات الهیه به این دو مقصد، یا بی‌واسطه یا باواسطه رجوع کند» (همان، ص. ۷۹). مقصد اول توجه‌دادن به فطرت است و مقصد دوم، تبری‌جستن از شجره‌ی خبیثه دنیا و طبیعت. ایشان می‌فرمایند:

ارزش‌های در عالم دو قسم است؛ یک قسم ارزش‌های معنوی، از قبیل ارزش توحید و جهاد

مربوط به الوهیت و از قبیل عدالت اجتماعی، حکومت عدل و رفتار عادلانه حکومت‌ها با

ملت‌ها و بسط عدالت اجتماعی در بین ملت‌ها و امثال این‌ها. (همو، ۱۳۷۹، ج ۸، ص. ۱)

این ارزش‌ها قابل تغییر نیستند؛ همانند ضرورت امنیت، عدالت، آزادی و امانت و

حکومت. در مقابل، قسم دیگری از امور، امور مادی هستند که به مقتضای زمان فرق می‌کنند؛ مانند شکل برقراری امنیت، نظام سیاسی و مانند آن. در رویکرد امام خمینی، آن چه میزان حکومت و مربوط به اجتماع و سیاست است، ارزش‌های معنوی است (همان). در اندیشه‌ی امام «ریشه و اصل همه‌ی آن عقاید - که مهم‌ترین و بالارزش‌ترین اعتقادات ماست - اصل توحید است» (همان، ج ۵، ص ۳۸۷). به تاکید ایشان، «مطابق این اصل، ما معتقدیم که خالق و آفریننده‌ی جهان و همه‌ی عوالم وجود و انسان، تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه‌ی حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز» (همان). ایشان معتقدند که توحید به صورت عقلانی و استدلالی «به ما می‌آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر این که اطاعت او اطاعت خدا باشد» (همان). این اصل، ایجاد جامعه‌ای توحیدی را هدف قرار می‌دهد. با توجه به همین اصل است که ظلم‌ستیزی یکی از ارکان اساسی اندیشه‌ی امام قرار می‌گیرد؛ چراکه بر مبنای این اصل «هیچ انسانی حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند» (همان). هم‌چنین می‌توان از این اصل، آزادی انسان را استخراج نمود. «هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند» (همان، صص ۳۸۷-۳۸۸).

۲،۲. جهان بینی توحیدی

اصل توحید که به جهان‌بینی توحیدی می‌انجامد، وحدت امت اسلامی را به‌عنوان یک باور مشترک می‌پذیرد. وحدت امت اسلامی به‌معنای همبستگی مسلمانان و اتحاد پیروان مذاهب گوناگون با وجود اختلاف مذهبی، در برابر دشمنان اسلام و بیگانگان است (شرف‌الدین، ۱۳۹۶، ص ۸). اعتقاد به توحید و در پی آن نبوت و معاد، با وجود منابع دینی مشترک (حجیت قرآن، ایمان به پیامبر اسلام) و وجود نمادهای مشترکی مثل قبله، حج و مسجد، زمینه‌ساز وحدت میان مسلمانان جهان خواهد بود. در عصر حاضر برای تقویت وحدت میان مسلمانان، درک واقع‌بینانه از اسلام و جامعه‌ی اسلامی و آشنایی با فلسفه‌ی اسلام ضرورتی انکارناپذیر است (ر.ک. اسفندیار، ۱۳۹۷، صص ۱۳۷-۱۵۳).

انقلاب اسلامی ایران که با محوریت توحید و اندیشه‌ی امام خمینی به‌وقوع پیوست، تغییرات غیرقابل‌انکاری در ارزش‌های ملی به‌وجود آورد و تحولات چشم‌گیری در کشورهای اسلامی در عرصه‌ی بین‌الملل در پی داشت. این انقلاب یک حادثه‌ی تاریخی در گوشه‌ای از جهان نیست، بلکه منظومه‌ای فکری است که به‌دنبال، یافتن راه‌حل در



جوامع اسلامی است. این انقلاب براساس مبانی عقیدتی خود، واکنشی است به اوضاع نابه‌سامان کشورهای اسلامی و عزت و اقتدار پایمال شده‌ی آنان. امام خمینی درصدد بود به ملت ایران و ملت‌های مسلمان بیاوراند که ما می‌توانیم و این امکان برای همه‌ی ملت‌ها وجود دارد که با اتکای به خداوند و با افزایش روحیه‌ی خودباوری و به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌های شکوفاننده‌ی خود، در برابر نسخه‌ی غرب بایستند و خود برای آینده‌ی خویش برنامه‌ریزی کنند (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص. ۳۳۶).

امام خمینی با بهره‌گیری از جهان‌بینی توحیدی، انقلاب اسلامی ایران را رهبری نمود و با پیروزی این انقلاب، تمامی نظریه‌های مربوط به انقلاب و حکومت را به چالش کشید و با ایجاد و تشدید جریان‌های اصول‌گرایی در سراسر جهان، زمینه‌ی بیداری ملل مسلمان را فراهم ساخت. این انقلاب بدون این که با دول غربی سر جنگ داشته باشد، به‌عنوان تهدیدی علیه منافع آنان عمل کرد. بی‌شک بیداری ملت‌های مسلمان در کشورهایی چون لیبی، مصر، اردن و سایر کشورها از انقلاب اسلامی ایران الهام گرفته‌اند. از آنجایی که منابع الهام این نهضت‌ها مشترک است و بر پایه‌ی جهان‌بینی توحیدی حرکت می‌کنند، نقاط اشتراک فراوانی را در آن‌ها می‌توان مشاهده نمود.

۲،۳. ارزش‌های معنوی و فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران براساس اصل توحید شکل گرفت و بر مبنای ارزش‌های انقلاب اسلامی، نظام ولایت فقیه و مردم‌سالاری دینی را بنا کرد؛ اکنون نیز برآن است تا میزان کارایی و توانمندی ارزش‌های خود را به حداکثر برساند. ارایه الگوهای نو و بومی در زمینه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه‌ی علوم انسانی و تلاش در جهت ساختن جامعه‌ای مطلوب می‌تواند منابع خوب قدرت‌مندی برای جمهوری اسلامی محسوب شوند. درعین حال باید به این نکته توجه داشت که قدرت‌های رقیب به‌ویژه ایالات متحده‌ی آمریکا با در اختیار داشتن امکانات بیش‌تر در حوزه‌ی فن‌آوری اطلاعات و رسانه، می‌توانند در جهت تخریب چهره‌ی جمهوری اسلامی ایران اقدام نمایند. سناریوسازی‌های مختلف ایالات متحده و این که به‌صورت مداوم جمهوری اسلامی را به‌عنوان محور شرارت و ناقض حقوق بشر معرفی می‌نماید، در این راستا قرار دارد. این درست است که انقلاب اسلامی به‌صورت بالقوه از منابع قدرت نرم اسلام ناب محمدی ﷺ می‌تواند بهره بگیرد و زمینه‌ی گسترش مردم‌سالاری دینی را فراهم نماید، اما در عمل باید به‌گونه‌ای عمل شود که امکان بهره‌گیری فراهم گردد. شاید به‌همین جهت است که حضرت امام همواره بر

اتحاد و همیاری امت اسلامی تاکید می نمودند. (ر.ک. همان، ج ۱، ص. ۳۸۱).

جذابیت جمهوری اسلامی برای ملل مستضعف تا حد زیادی به مفاهیم و روش‌های سیاست خارجی وابسته است. جمهوری اسلامی بر مبنای اصل توحید در سیاست خارجی، از اصولی تبعیت می‌کند که حفظ منافع مستضعفین در اولویت او قرار می‌گیرند و دفاع از حقوق آنان، بخشی از قدرت نرم جمهوری اسلامی را تأمین می‌کند. این‌که در هنگام مصیبت‌های ملل مستضعف به سراغ آنان می‌رود و بخشی از امکانات مادی خود را بر مبنای ایدئولوژی خود به آنان انفاق می‌نماید، چنین سیاست‌هایی می‌تواند موجب تولید قدرت برای جمهوری اسلامی شود؛ چراکه این عمل، ارزش‌های مشترکی را تقویت می‌کند که تمامی انسان‌های آزاده آن را می‌پسندند. در بعد سیاست خارجی، جمهوری اسلامی علاوه بر توجه به نیاز مستضعفان، ائتلاف با دولت‌های دیگر از جمله کشورهای اسلامی و جهان سوم و غیرمتعهدها را در راستای تقویت قدرت منطقه‌ای‌اش تعقیب می‌کند؛ این امر نیز به نوبه‌ی خود در جهت تقویت قدرت جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

در عصری که اطلاعات، تولید قدرت می‌کند، دیپلماسی عمومی به شکل خاصی اهمیت پیدا می‌کند. دسترسی به این اطلاعات و اثرگذاری بر افکار عمومی می‌تواند از مولفه‌های قدرت نرم یک کشور باشد. جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ی خاورمیانه که اکثر کشورهای آن از امکان مردم‌سالاری برخوردار نیستند، می‌تواند نقش گسترده‌ای ایفا کند (نای، ۱۳۸۷، صص. ۱۹۱-۱۹۲).

بحران‌های فراروی نظام سرمایه‌داری این امکان را به جمهوری اسلامی ایران می‌دهد که با بهره‌گیری از ارزش‌های معنوی و فرهنگی انقلاب اسلامی و با استفاده از دیپلماسی عمومی خود، زمینه‌ی معرفی بنیادهای معرفتی و مبانی دینی را فراهم نماید.

۲.۴. هنجارهای پذیرفته شده

جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اصل توحید و با تکیه بر توده‌ی مردم، مقاومت و پایداری، برخورد هوشمندانه و مدبرانه با امور داخلی و خارجی، اصولی چون ظلم‌ستیزی، کرامت انسانی، عدالت، برابری، حمایت از مستضعفان، آزادی‌خواهی، استقلال‌طلبی، مردم‌سالاری دینی، استکبارستیزی، وحدت امت اسلامی، ولایت فقیه و امامت و رهبری و پای‌بندی به تعهدات را از جمله‌ی هنجارهای پذیرفته شده در عرصه‌ی داخلی و خارجی می‌داند و بر اساس مصالح و منافع کشور، اهداف خود را دنبال می‌کند.





مردم، رکن دوم نظام سیاسی اسلام پس از دین می‌باشند (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۹/۲۶) و نقش اساسی در تصمیم‌گیری، اجرای تصمیمات و نظارت بر عملکرد مجریان و کارگزاران دارند (همان، ۱۳۷۲/۴/۲۳). مقاومت و پایداری در مقابل دشمن به کمک مردم به دست می‌آید. اصل توحید، مبارزه با ظلم را در پی دارد. برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است، بیان‌گر ظلم‌ستیزی اسلام است. نفی ستم‌گری، ستم‌کشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و نیز قسط و عدل و نفی تبعیض، و هم‌چنین حقوق همه‌جانبه‌ی افراد از جمله کلیدواژه‌هایی است که بارها در قانون اساسی جمهوری اسلامی به کار رفته است و بیان‌گر توجه جمهوری اسلامی به کرامت انسانی می‌باشد. عدالت‌خواهی، هنجاری پذیرفته‌شده در نظام سیاسی اسلام و مقدم بر آزادی است. عدالت در تمام ساحت‌ها و مبانی اندیشه‌ی اسلامی حضوری قطعی دارد. در قرآن، از توحید تا معاد و از آرمان‌های فردی تا هدف‌های اجتماعی، همه بر محور عدل استوار است (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۸، ص. ۳۳). در کنار عدالت، آزادی نیز در شمار بزرگ‌ترین نعمت‌ها و موهبت‌های الهی قرار گرفته است (مطهری، ۱۳۷۳، ص. ۳۶۰). در نگاه اندیشمندان مسلمان، آزادی پایه و اساس انسانیت و جوهر آدمی است (لک‌زایی، ۱۳۸۹، ص. ۴۹).

خاستگاه انقلاب اسلامی ایران، استقلال‌طلبی بر مبنای خدامحوری و انسان‌شناسی الهی است. انعکاس خدامحوری در استقلال، بیان‌گر زنده‌نگه‌داشتن یاد خدای متعال در راستای خودشناسی، خودکفایی و استقلال با همه‌ی ابعاد آن است (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷، ص. ۴۱۱). برای رسیدن به استقلال، نخست باید دست استکبار را کوتاه کرد. معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به حکومت جمهوری اسلامی، مبارزه با استبداد داخلی و استکبار بین‌المللی را هدف قرار داد و در این مسیر با ایمان استوار الهی ایستاد و پیروز شد (همان، ج ۵، ص. ۴۷۶ و ج ۶، ص. ۳۲۴).

طرح جمهوری اسلامی از سوی امام با دغدغه‌ی پاسخ‌گویی به مردم‌سالاری بود. ایشان مشروعیت الهی را با موضوع مردم‌سالاری درهم آمیخت و نظریه‌ای را به وجود آورد که ضمن دارا بودن همه‌ی عناصر و مولفه‌های نظام مردمی، از امتیاز مثبت مشروعیت الهی نیز برخوردار است. این نظام مبتنی بر ولایت و امامت و رهبری است و چهار عنصر دین، رهبری، امت و دولت را که مورد تاکید اسلام است در درون خود دارد.

ولایت فقیه یکی از مهم‌ترین هنجارهای پذیرفته‌شده در جمهوری اسلامی ایران است که تاکنون بیش‌ترین حمله را به خود دیده است. شاید به‌همین جهت است که این

هنجارها به عنوان اصول و ارکان نظام جمهوری اسلامی (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۴) مورد تاکید فراوان قرار می‌گیرند. ولی فقیه پرچمدار وحدت امت اسلامی است و بر وحدت امت اسلامی همراه با وفادارماندن ملت‌ها در چارچوب ملیت خویش تاکید می‌کند.

هنجارهای پذیرفته شده مذکور راهبردهای اساسی مواجهه جمهوری اسلامی ایران با تهدیدهای داخلی و خارجی را مشخص می‌کند. این هنجارها به‌واقع کانون‌های اصلی تولید قدرت در جمهوری اسلامی ایران هستند که بر مبنای قانون اساسی جمهوری اسلامی، پاسداشت از آن برای تمامی قوای حاکم در نظام جمهوری اسلامی ضروری است. رهبران جمهوری اسلامی در دهه‌ی ۶۰ و ۹۰ با بهره‌گیری از این هنجارها و نیز باورهای مشترک و جهان‌بینی توحیدی به‌عنوان ساختار و اصل توحید، به تولید قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تهدید داخلی و خارجی پرداختند.

۳. مواجهه با تهدید بین‌المللی دهه‌ی ۶۰ و دهه‌ی ۹۰

۳.۱. مقابله با تهدید سیاسی

سکولاریزم به‌عنوان تهدیدی سیاسی از قبل از انقلاب اسلامی، حکومت اسلامی را نشانه گرفته است. وابستگی علمی، اقتصادی و نظامی ایران قبل از دهه‌ی ۶۰ به غرب، تصرف سفارت آمریکا و قطع رابطه‌ی کامل با آمریکا و از دست رفتن منافع آمریکا در ایران، هراس همسایه‌ی شمالی (شوروی) از نفوذ انقلاب اسلامی ایران و خطر اسرائیل، از جمله‌ی تهدیدهای سیاسی دهه‌ی ۶۰ بود.

امام خمینی با بهره‌گیری از اصل توحید در قالب ساختار، جهان‌بینی توحیدی به‌عنوان باور مشترک، ارزش‌های معنوی و فرهنگی و هنجارهای پذیرفته‌شده به‌مقابله با این تهدیدها برخاست. تهدید سیاسی در ایران که با نفوذ و سلطه‌ی غرب آغاز گردیده بود، با مبارزه‌ی روحانیت در طول تاریخ معاصر ایران مواجه بود. امام خمینی در اولین مواجهه‌ی خود، ضمن ابراز نگرانی از نفوذ تبلیغات غرب و شرق در ایران، با استناد به ارزش‌های عام و مشترک، علاج واقعه را تقویت امور معنوی مردم بیان کرد (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص. ۷۷).

ایشان مبارزه با تهدید را از دهه‌ی ۱۳۲۰ شمسی و با تالیف کتاب "کشف الاسرار" در نقد "اسرار هزارساله" آغاز کرده بود و ریشه‌ی نظریات اسرار هزارساله را در عقاید وهابییون می‌دانست که درصدد بودند اصول و مبانی تشیع را از بین ببرند (خمینی، بی‌تا، صص. ۴-۶). امام خمینی مولف کتاب، احمد کسروی را روشنفکر غرب‌زده‌ای می‌دانست که با وابستگی به غرب درصدد تهدید فرهنگ دینی ایرانیان و مسلمانان است (همان، ص. ۱۶).





ایشان در جهت دفع تهدید بر نقش روحانیت تاکید می‌کنند و وظیفه‌ی دفاع از حریم اسلام را بردوش روحانیت می‌دانند و این امر را موجب قرارگرفتن روحانیت در راس کارها و مقابله با تهدید استعمارگران می‌شمرند (همان، صص. ۱۵۸-۱۵۹).

امام خمینی با بهره‌گیری از ساختار توحیدی حاکم بر جامعه، نیروهای انسانی و جوان انقلابی دهه‌ی ۶۰ را به رفع وابستگی و خودکفایی دعوت نمودند و با بهره‌گیری از ارزش‌های اسلامی، تحرک و پویایی را به جامعه تزریق نمودند. تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام سبب قطع رابطه‌ی سیاسی ایران و آمریکا و موجب اعمال تحریم‌های گوناگون علیه جمهوری اسلامی شد. حضرت امام که این عمل را در جهت دفع خطر آمریکا می‌دانست (همو، بی‌تا، صص. ۴۹۷-۴۹۳)، ضمن دعوت مردم به پایداری، بر عدم هراس مردم از این تهدید تاکید می‌نمود (همو، ۱۳۷۹، ج ۱۱، ص. ۱۳). از نظر امام خمینی راه حل مسالمة اسرائیل و دفع خطر آن را صرفاً در اتحاد و همیاری امت اسلامی می‌توان جست‌وجو کرد (همان، ج ۳، ص. ۱۵۵). ایشان عدم توجه به این تهدید را خطرناک می‌دانست و حذف اسلام، محو احکام دینی و کنارزدن علمای اسلام را برآیند این تهدید می‌شمرد؛ تهدیدی که می‌تواند به امحای هویت مسلمانان منجر شود (همو، ۱۳۷۹، ج ۲، صص. ۳۹۷-۳۹۶).

تهدیدهای سیاسی، اجتماعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در دهه‌ی ۹۰ چهره‌ی دیگری از همان تهدیدهای دهه‌ی ۶۰ است. ناکارآمد جلوه‌دادن جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با بحران‌ها، یکی از اصلی‌ترین حربه‌های سیاسی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران است. مسالمة انرژی هسته‌ای و مقابله‌ی غرب با موشک‌های دوربرد ایران برای دفاع از خود و نیز بحث حقوق بشر در ایران از جمله‌ی دستاویزهای غرب به‌ویژه آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی است. آیت‌الله خامنه‌ای با شناخت کامل از اهداف ایالات متحده، همواره بر مقابله‌ی جدی با تهدیدهای مذکور تاکید نموده و داشتن تمامی فناوری‌های جدید از جمله انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را حقوق مسلم ملت ایران دانسته‌اند و بر مقاومت و پایداری در مقابل زورگویی‌های غرب تاکید می‌نمایند.

آیت‌الله خامنه‌ای با بهره‌گیری از قدرت نرم اسلام و تکیه‌بر توحید و جهان‌بینی توحیدی، با تاکید بر هنجارهای پذیرفته‌شده در نظام جمهوری اسلامی ایران، بر عنصر رهبری، ولایت فقیه و مردم‌سالاری دینی به‌عنوان مترقی‌ترین مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه و یکی از پیش‌روترین ترها تاکید می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۳/۱۲) و همه‌ی مسلمانان

جهان را به وحدت و همدلی و مقابله با افراطی‌گری و خشونت دعوت می‌کنند. ایشان گردهمایی علمای اسلام در هفته‌ی وحدت را به‌منظور تدوین منشور وحدت و چراغ راه برای نسل‌های آینده معرفی نموده‌اند (همو، ۱۳۹۰/۷/۲۵).

در یک رویکرد جزئی‌تر می‌توان گروه‌های معاند سیاسی، بحران‌های قومی و مذهبی، بحران ارزش‌ها و ناهنجاری‌های فرهنگی، آسیب‌های اجتماعی، بحران هویت، بحران ناشی از علم و فناوری و حتی بحران حاکمیت ملی را از جمله‌ی تهدیدهای سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران دانست. با عنایت به قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران که ریشه در توحید و ایدئولوژی توحیدی دارد، مقابله و مواجهه با تهدید مذکور همواره در دستور کار جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و رهبری نظام با بهره‌گیری از هنجارهای پذیرفته‌شده در نظام اسلامی به کمک ساختار حاکم، راه‌های مقابله با تهدید را ترسیم کرده است.

۳،۲. مقابله با تهدید فرهنگی

ضعف ایمان، دنیاطلبی، سیاست‌زدگی، تهاجم فرهنگی، سلطه‌ی فرهنگی و استحاله‌ی فرهنگی مهم‌ترین تهدیدهای جمهوری اسلامی در دهه‌ی ۶۰ و ۹۰ بوده‌اند. رهبران انقلاب اسلامی همواره بر مقابله با این تهدیدها با تکیه بر مبانی دینی تاکید کرده‌اند. در همین راستا انقلاب فرهنگی به‌عنوان یک حرکت مردمی و آگاهانه و جهت‌دار عقلانی، برای پاک کردن آثار وابستگی فرهنگی و تبدیل فرهنگ استعماری به فرهنگ استقلالی (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص. ۳۹۶) از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در دستور کار جمهوری اسلامی قرار گرفت.

انقلاب فرهنگی در معنای خاص خود در جمهوری اسلامی به‌معنی برگرداندن محیط دانشگاه به جهت‌گیری اسلامی بود (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۹/۲۰). اهتمام رهبران انقلاب اسلامی برای انقلاب فرهنگی به‌جهت تقویت پایه‌های ایمانی، مقابله با دنیاطلبی، سیاست‌زدگی و تهاجم فرهنگی بوده است. ایشان به‌خوبی به این نکته واقف بوده‌اند که راه مقابله با تهدید فرهنگی، آموزش نیروهای با ایمان و اعتقاد قلبی به فرهنگ خودی است؛ براین‌اساس همواره بر ساختار توحیدی جامعه تاکید نموده و بر مبنای جهان‌بینی توحیدی از هنجارهای پذیرفته‌شده در جمهوری اسلامی و قانون اساسی دفاع کرده‌اند.

امام خمینی راه مبارزه و مقابله با تهدید فرهنگی را تعلیم و تربیت نسل جوان می‌داند (سراج، ۱۳۷۹، ص. ۲۲۰). به‌نظر ایشان تبلیغات در جهت تضعیف اسلام، محدود کردن اسلام





به احکام شخصی و زدودن ماهیت انقلابی از اسلام است (خمینی، ۱۳۸۹، ص. ۷). ایشان هدف اساسی تبلیغات سوء دشمنان اسلام را ایجاد تفرقه در میان مسلمانان می‌داند و به‌همین دلیل به مناسبت‌های مختلف، مردم را به وحدت و انسجام بر مبنای توحید جهت مقابله با هر خطری از جمله تهدید فرهنگی دعوت می‌کند (همو، ۱۳۷۹، ج ۱، صص. ۳۸۴-۳۸۱ و ج ۲، ص. ۳۲). رهبران انقلاب اسلامی با دعوت از کارگزاران نظام به حفظ ایمان و دوری از دنیاطلبی، تنها راه موفقیت جمهوری اسلامی را تکیه بر مردم و حفظ هویت دینی و فرهنگ خودی می‌دانند.

رویکرد جریان سلفی‌گری و تکفیری، که همه‌ی شئون اجتماعی را در متن قرآن و سنت جست‌وجو می‌کنند، مهم‌ترین تهدید فرهنگی دهه‌ی ۹۰ است که کاملاً مخالف با عقلانیت و نوگرایی و همراه با خشونت‌طلبی و جنایت‌کاری است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). در مقابل رویکرد نص‌گرایی و ظاهرگرایی تکفیری‌ها، گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای که برگرفته از مکتب شیعه و مبتنی بر توحید است قرار می‌گیرد. جریان سلفی که به‌دنبال احیای خلافت اسلامی در مقابل جمهوری اسلامی است و برای رسیدن به مقاصد خود از هیچ کوششی فروگذاری نکرده است، با بهره‌گیری از واژه‌ی جهاد و اتکا به نظریات متفکرانی چون ابن تیمیه، مودودی و سید قطب، جهاد را به‌هر شکل و وسیله‌ای جایز و مقدم بر تمام عبادات می‌دانند (شریعتی، ۱۳۹۲، ص. ۹۱) و درصدد مقابله با انقلاب اسلامی ایران و الگوی مردم‌سالاری دینی می‌باشند. نیروهای تربیت‌شده درون انقلاب اسلامی با تهاجم تکفیری‌ها مقابله می‌کنند و مانع از پیشروی این عقیده می‌شوند.

۳,۳. مقابله با تهدید اقتصادی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشدید تهدیدهای خارجی از جمله تحریم اقتصادی، امام خمینی بارها در سخنرانی‌های خود مردم را به وحدت و برادری دعوت می‌نماید (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۹، صص. ۱۸۸ و ۲۵۵ و ۲۷۳؛ ج ۱۰، ص. ۱۰) و تهدیدهای خارجی را بی‌اساس می‌شمرد (همان، ج ۱، ص. ۱۳۵). ایشان اعلام می‌کنند که تحریم‌های اقتصادی ناشی از قطع رابطه و تهدید نظامی در جهت اعمال فشار برای آزادی‌گروگان‌ها، در سایه‌ی انسجام مردم نمی‌تواند کارساز باشد (همان، ج ۱، صص. ۳۸، ۵۹، ۱۶۱-۱۶۰، ۱۸۹-۱۸۸). در این دوره، آمریکایی‌ها نظامیان بیش‌تری را در جهت تهدید امنیت ایران و فشار بر کشور در خلیج فارس مستقر کردند. هدف آنان با تهدیدهای نظامی، تحریم اقتصادی و حملات فرهنگی و ایجاد هیاهو، جلب کردن توجه مردم به خارج از مرزها و غفلت از مسایل داخلی بود. امام



ضمن توجه به این نکته، مردم را به خطرات داخلی و خارجی در ارتباط با هم هشدار - دادند (همو، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص. ۱۹) و ضمن دعوت مردم به آرامش، معتقد بودند این تهدیدها سبب تلاش ملت و مملکت در جهت خودکفایی خواهد شد (همان، ص. ۷۷).

تحریم‌های اقتصادی از تهدیدهای دیگر جمهوری اسلامی ایران است که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد و در دهه‌ی ۹۰ نیز ادامه داشت. هم‌چنان که امام خمینی در مقابله با تهدید تحریم اقتصادی بر جهاد اقتصادی و اتکای به توان و نیروی مردمی تاکید می‌نمودند، آیت‌الله خامنه‌ای نیز از اواسط دهه‌ی ۸۰ بر مقاومت‌سازی و توانمندسازی درونی اقتصاد ایران تاکید می‌کنند. ایشان در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ تعبیر اقتصاد مقاومتی را مطرح نمودند و در سخنرانی‌های مختلف جوانب این موضوع را تشریح کردند تا در نهایت در ابتدای سال ۱۳۹۳ اقتصاد ایران با یک نظریه‌ی اقتصاد مقاومتی مواجه گردید (عبدالملکی، ۱۳۹۳، صص. ۳۶-۳۷).

نظریه‌ی اقتصاد مقاومتی که مبتنی بر مبانی اسلام و اهداف غایی و میانی اسلام در ارتباط با اقتصاد را دنبال می‌کند، به‌واقع همان قدرت نرم اسلام است که می‌تواند زمینه‌ی اصلی مواجهه‌ی جمهوری اسلامی ایران با تهدیدهای بین‌المللی را فراهم سازد. غایت نهایی اقتصاد اسلامی، سعادت ابدی انسان و زمینه‌سازی برای حرکت انسان به‌سوی کمال مطلق است. برای رسیدن به این هدف، سه اصل: عدالت اقتصادی، جهاد اقتصادی و عزت اقتصادی که از اصول اساسی مکتب اسلام است، زمینه‌ی حضور جدی در تمام عرصه‌های اقتصادی را فراهم می‌کند. تولید دانش اقتصاد اسلامی که با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های اقتصاد متعارف به‌دست می‌آید، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را به حداکثر ممکن ارتقا خواهد داد.

۳،۴. مقابله با تهدید امنیتی

در مواجهه با واقعه‌ی طبس، امام خمینی در پیامی خطاب به ملت ایران با اخطار شدید به کارتر، وی را متوجه عواقب سوء این اقدام نمود. در کودتای نوژه نیز امام شکست این کودتا را از عنایات ویژه‌ی خداوندی دانست.

در طول سال‌های دهه‌ی ۶۰ و دوران جنگ تحمیلی، امام خمینی راه مقابله با تهدیدهای مختلف بین‌المللی را تحرک ملت در جهت رفع نواقص و خودکفایی می‌دانست (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص. ۲۱۱؛ ج ۱۴، صص. ۱۱۶-۱۱۴ و ۲۵۱؛ ج ۱۶، ص. ۱۰۴). ایشان علت این تهدید علیه جمهوری اسلامی و جهان اسلام را ترس از صدور انقلاب (همان، ص. ۲۰۸)،



مکتب غنی اسلام و قدرت معنوی آن (همان، ص. ۲۱۲ و مطهری، ۱۳۶۱، ص. ۹۶)، ظهور و جوش نهضت‌های اسلامی (همان، ص. ۴۶۵) و ترس از وحدت میان مسلمانان می‌دانست (همان، ج ۱۴، ص ۱۶۲).

جنگ ایران و عراق، نمایش قدرت تمامی قدرت‌های جهان بر علیه انقلاب اسلامی ایران بود. جمهوری اسلامی ایران توانست از تمامی منابع و مناسی قدرت برای مقابله با قدرت‌های جهان استفاده کند. بهره‌مندی از پشتوانه‌ی مردم (همان، ج ۴، صص. ۲۴۷ و ۴۳۵؛ ج ۶، ص. ۴۰۱)، علم و دانش (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۶/۱)، اقتصاد و ثروت (همو، ۱۳۸۴/۲/۱۸، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰) و معنویت از منابع قدرت به حساب می‌آیند که امام خمینی در دهه‌ی ۶۰ و آیت‌الله خامنه‌ای در دهه‌ی ۹۰ به خوبی از آن بهره جستند.

آیت‌الله خامنه‌ای معنویت را منبع قدرت و تدبیر امور و اداره‌ی جامعه می‌داند (همو، ۱۳۸۳/۳/۲۱). به تعبیر امام خمینی، قدرت اسلام یک قدرت مافوق قدرت‌های مادی است و چنانچه جامعه‌ای متکی بر این قدرت و معنویت باشد، هیچ قدرتی نمی‌تواند در مقابل او ایستادگی کند (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص. ۱۹۰).

منابع مذکور، قدرت امنیتی جمهوری اسلامی ایران را به‌اندازه‌ای تغییر داده‌اند که به لحاظ نظامی در حال حاضر رتبه‌ی ششم جهان را کسب کرده است. با وجود معنویت بالای نیروی انسانی جمهوری اسلامی ایران و تجهیزات نظامی تولیدشده در نتیجه‌ی علم و فناوری، مقابله با تهدید امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران تسهیل خواهد شد. امام خمینی راه مبارزه با نفوذ و سلطه‌ی غرب و تهدید سیاسی را تقویت امور معنوی مردم، تکیه بر مبانی اسلام و نقش‌آفرینی حاملان فرهنگ دینی بیان می‌کنند. تعلیم و تربیت نسل جوان و اتحاد و همبستگی امت اسلامی، راه کار مقابله و مواجهه با تهدید فرهنگی از نگاه ایشان است. در نهایت، برای مقابله و مواجهه با تهدید امنیتی نیز تحرک ملت در جهت رفع نواقص و خودکفایی را ضروری می‌دانند.

نتیجه

در استراتژی امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، قدرت نرم به‌عنوان قدرت اصلی و قدرت سخت، مکمل و در خدمت قدرت نرم است. در این تفکر، دین و اعتقادات دینی بر منافع ملی تقدم دارند؛ حکومت برای مردم و در خدمت مردم است و شیوه‌ی مقابله و منازعه، مقاومت و قیام‌های مردمی و دفاع همه‌جانبه و تقویت قدرت بازدارندگی است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ در حالی که هیچ دولتی از آن حمایت نکرد، شاهد و

گواه بزرگی بر کارآمدی چنین نگاهی است. این پیروزی با تکیه بر عنایات الهی و امدادهای غیبی و تضمین پیروزی از ناحیه‌ی خداوند، متضمن موفقیت‌های بعدی نیز بوده است.

رهبری و هدایت مردم، منبع دیگری از منابع قدرت نرم در دیدگاه امام خمینی است. حضور رهبری و رهنمودهای به‌موقع آن‌ها در جهت رفع تهدیدهای بین‌المللی، به‌ویژه در دوران جنگ تحمیلی، سبب آرامش و امکان دفاع شده است. تکیه بر توده‌ی مردم به‌عنوان رکن اصلی نظام و بهره‌مندی از توان‌مندی‌های جامعه، یکی دیگر از منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است. رهبر کبیر انقلاب از همان آغاز مبارزه‌ی سیاسی خود با رژیم طاغوت، با تکیه بر مردم و قدرت ایمانی آنان صف عظیمی از مستضعفین را در مقابل مستکبرین تشکیل داد. درواقع، رهبری با استفاده از دیپلماسی عمومی و ایجاد پیوند بین مکتب ولایی، رهبری دینی و مردم، قدرت نرمی تولید کرد که در تمام بحران‌های پیش رو از آن بهره گرفت. امام خمینی جهت تقویت قدرت مردمی با بهره‌گیری از قدرت دین و الگوگیری از قیام امام حسین علیه السلام، امکان پیروزی خون بر شمشیر را دوباره نشان داد و قدرت عظیمی ایجاد نمود که توان مقابله با ارتشی تا دندان مسلح در دوران پهلوی و رژیم بعثی مورد حمایت قدرت‌های بزرگ را داشت.

آیت الله خامنه‌ای با پیروی از راه امام خمینی از تمام ظرفیت‌های اعتقادی و ساختاری نظام جمهوری اسلامی بهره گرفت و در دهه‌ی ۹۰ در مواجهه با تهدید فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایستاد؛ به‌گونه‌ای که به‌گواه کارشناسان آمریکایی (کاندولیزا رایس) "رهبر ایران می‌تواند نقشه‌هایی را که بهترین ذهن‌ها، با صرف بیش‌ترین بودجه‌ها، در زمانی طولانی کشیده و مجریانی ماهر آن را به‌عهده گرفته‌اند، با یک سخنرانی یک ساعته خنثی کند".

برپایه‌ی آنچه در این مقاله آمد، پیشنهادهای زیر برای نگارش راهبردهای جمهوری اسلامی در مواجهه با تهدیدهای بین‌المللی، منطبق با معیارها و مبانی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و تاکیدهای مقام معظم رهبری در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، قابل ارائه است:

- تکیه بر ایمان و تقویت بنیان‌های اعتقادی امت اسلامی با محوریت اصل توحید؛
- جدی‌گرفتن اصل وحدت امت اسلامی؛

● پایبندی به اصل ولایت و امامت و رهبری ملت بر مبنای مردم‌سالاری دینی و اصل

مترقی ولایت فقیه؛



- تکیه بر توده‌ی مردم؛
- تاکید بر اصل "نه شرقی، نه غربی" و تکیه بر اصل مقاومت و پایداری و سازش ناپذیری، و تحمیل اراده بر دشمن؛
- برخورد هوشمندانه و مدبرانه و حرکت در جهت تبدیل تهدید به فرصت‌ها و تبدیل امکانات بالقوه به بالفعل؛
- تکیه بر اصول ظلم‌ستیزی، کرامت ذاتی انسان، عدالت، برابری، حمایت از مستضعفان و پای‌بندی به تعهدات.



منابع

- اسفندیار، ر.ع. (۱۳۹۷). مؤلفه‌ها و ارزش‌های اساسی انقلاب اسلامی ایران. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حقیقت، ص. (۱۳۷۶). مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی. تهران: مرکز مطالعات استراتژیک نهاد ریاست جمهوری.
- حکمی‌زاده، ح. (۱۳۷۹). امام خمینی و چالش‌های کنونی جهان اسلام. در: گزیده‌ی مقالات همایش اندیشه‌ی امام خمینی از نگاه اندیشمندان جهان. (ف. فرنی، مترجم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خامنه‌ای، ع. (۱۳۹۴). نرم‌افزار حدیث ولایت. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، ع. (۹۷/۱۱/۲۲). بیانیه‌ی گام دوم. قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- خمینی، ر.ا. (۱۳۷۷). شرح حدیث جنود عقل و جهل. (چاپ سوم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، ر.ا. (۱۳۷۶). چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، ر.ا. (۱۳۷۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، ر.ا. (۱۳۸۹). ولایت فقیه (حکومت اسلامی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، ر.ا. (بی تا). کشف اسرار. قم: انتشارات آزادی.
- درویشی، ف. (۱۳۸۰). تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق. (ج ۱). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات سپاه پاسداران.
- سراج، م. (۱۳۷۹). امام خمینی و چالش‌های کنونی جهان اسلام. در: گزیده مقالات همایش اندیشه امام خمینی در نگاه اندیشمندان جهان. (س. نقاشی، مترجم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- شرف‌الدین، ع. (۱۳۹۶). اجتهاد در مقابل نص. (ع. دوانی، مترجم). بی‌جا: کتابخانه اسلامی.
- شریعتی، ش. (۱۳۹۲). نوسلفیسم: خنثی‌سازی بیداری اسلامی از درون. در: مطالعات سیاسی، سال هفتم، شماره ۱۸.
- عبدالملکی، ح.ا. (۱۳۹۳). اقتصاد مقاومتی، درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها و برنامه عمل. تهران: انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).
- عمید زنجانی، ع.ع. (۱۳۸۶). فرهنگ دوسویه علوم سیاسی. تهران: دانشیار.
- لک‌زایی، ش. (۱۳۸۹). آزادی و دانش. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مالک، م.ر. (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی و نقش روحانیت در پیشبرد آن. قم: وثوق.



- مصباح یزدی، م.ت. (۱۳۸۴). انقلاب اسلامی جهتی در تحولات سیاسی تاریخ. (ق. شعبان‌نیا، تدوین) قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، م. (۱۳۷۳). مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۶۱). پیرامون انقلاب اسلامی. قم: انتشارات اسلامی.
- نای، ج.ا. (۱۳۸۷). قدرت نرم (ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل). (م. روحانی و م. ذوالفقاری، مترجم). تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- نگارش، ح. (بی‌تا). دشمن‌شناسی از دیدگاه امام خمینی. قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.





References

- Esfandiar, R. (1397 SH). The Essential Components and Values of the Islamic Revolution of Iran. Qom: Institute of Islamic Science and Culture.
- Haghighat, P. (1376 SH). Transnational Responsibilities in Islamic State's Foreign Policy. Tehran: Center for Strategic Studies, Presidential Institution.
- Hakimzadeh, H. (1379 SH). Imam Khomeini and the Current Challenges of the Islamic World. In: Excerpts of Imam Khomeini's Conference of Thoughts from the World's Scholars' Viewpoint. (F. Frenya, Trans.). Tehran: Institute of Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works.
- Khamenei, A. (1394 SH). Provincial Hadith Software. Tehran: Cultural Revolution Institute of Islamic Revolution.
- Khamenei, A. (22/11/97). The second step statement. Available at: <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- Khomeini, R.A. (1377 SH). Description of the Hadith of the Reasons of Wisdom and Ignorance. (Third edition). Tehran: Institute of Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, R.A. (1376 SH). Forty Hadiths. Tehran: Institute of Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, R.A. (1379 SH). Imam Sahifah. Tehran: Institute of Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, R.A. (1389 SH). Governorate of Jurisprudence (Islamic State). Tehran: Institute of Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, R.A. (n.d.). Discover the secrets. Qom: Azadi Publications.
- Derwishi, F. (1380 SH). Analysis of the Iran-Iraq War. (C. 1). Tehran: IRGC Studies and Research Center.
- Seraj, M. (1379 SH). Imam Khomeini and the Current Challenges of the Islamic World. In: Excerpts of Imam Khomeini's Conference of Thoughts from the View of World Intellectuals. (S. Painting, Trans.). Tehran: Institute of Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works.
- Shafaruddin, A.S. (1396 SH). Ijtihad vs. Nas. (A. Davani, Trans.). Elsewhere: Islamic Library.
- Shariati, S.H. (1392 SH). Neo-Salafism: Neutralizing Islamic Awakening from within. In: Political Studies, Seventh Year, No. 18.
- Abdolmaleki, H.A. (1393 SH). Resistance Economics, An Introduction to Fundamentals, Policies and Action Plans. Tehran: Student Basij Publications Imam Sadegh University 7.
- Amid Zanjani, A.S. (1386 SH). Mutual Culture of Political Science. Tehran: Associate Professor.
- Lakzai, S.H. (1389 SH). Freedom and knowledge. Qom: Institute of Islamic Science and Culture.

- Malek, M.R. (1395 SH). Resistance Economics and the Role of the Clergy in Advancing It. Qom: Trustee.
- Mesbah Yazdi, M.T. (1384 SH). The Islamic Revolution directs the political developments in history. (Qa. Shabannia, editing) Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Motahari, M. P. (1373 SH). Collection of works, Tehran: Sadra Publications.
- Motahari, M. P. (1361 SH). On the Islamic Revolution. Qom: Islamic Publications.
- Naei, J. A. (1387 SH). Soft Power (Tools of Success in International Politics). (M. Rouhani and M. Zolfaghari, Trans.). Tehran: Imam Sadegh University 7.
- Writing, H. (n.d.). From the point of view of Imam Khomeini. Qom: Islamic Research Institute.

